

قصه گل‌ها در پایتخت سفال جهان

آشنایی با شهر «لالجین» که سفالگری در آن شغل اول مردم است

به‌روایت یک کارآفرین نمونه‌استانی که ۳دهه از عمرش را پای چرخ سفال نشسته‌است

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

پرونده

همیشه که نباید پایتخت‌ها مملو از آدم باشند. پایتخت، گاهی ممکن است یک شهر ۱۵ هزار نفری در دل هگمتانه باشد که سفال و سفالگری چرخ شهر را می‌چرخاند نه خیابان‌هایی که به‌اداره‌وسازمان‌وزارتخانه و سرگردانی ختم‌می‌شوند. «لالجین» یکی از همین شهرها یعنی پایتخت سفال جهان است. شهری کوچک که قصه‌های زیادی را در تاریخ پشت سر گذاشته و روزگار مردمان خوش ذوقش به خاک و گل و سفال گره خورده‌است. البته که نشانه‌های سفالگری در هر گوشه تاریخ ایران پیدا است؛ از کهن‌ترین چرخ و کوره سفالگری در شوش تا سفالینه‌های شهر سوخته در سیستان. سفالگری در ایران هنری ارز‌شمند و سنتی است که طی هزاران سال، اصول فنی ساخت‌وساز آن نسل‌به‌نسل چرخیده تا به امروز برسد. در لالجین هم قصه همین است، سفالگری در این شهر رگ‌وریشه‌دار است و به‌همین دلیل لالجین در سال ۹۵ از سوی شورای جهانی صنایع دستی به‌عنوان پایتخت جهانی سفال انتخاب شده. سفالگری رشته اول مردم لالجین است اما این شهر هنوز تا تبدیل به پایتخت جهانی کمبدهایی دارد. لالجین از آن شهرهایی است که در آن هم کوره‌ها به صورت می‌خورد و بوی آب و خاک و صدای چرخ سفالگری را می‌شنوید. شاید اگر چند دهه‌قبل بود

صدای گل‌مال‌ها و پادوهای‌شان را می‌شد به این مجموعه، اضافه کرد. در لالجین، سفالگر بسیار است. در پرونده امروز، بعد از آشنایی مختصر با شهر لالجین با «محمد هادی مهربر» سفالگر باتجربه لالجینی که ۳دهه از عمرش را پای چرخ سفال نشسته و توانسته عنوان کارآفرین نمونه‌استانی را هم کسب کند درباره سفالگری در لالجین، سخت و شیرین این حرفه و اوضاعش در روزگار فعلی گفت‌وگو کردیم.



پایتخت کوچک بدون بیکار

یک سفالگر باتجربه لالجینی که ۳دهه از عمرش را پای چرخ سفال نشسته و توانسته عنوان کارآفرین نمونه‌استانی را هم کسب کند، درباره سفالگری در این شهر می‌گوید

۴۰ساله است. از ۱۰ سالگی در کارگاه‌های سفالگری لالجین مشغول کار شده و ۲۰ سال است به صورت حرفه‌ای کار می‌کند. «محمد هادی مهربر» در دهه ۸۰ در کمترین جای ممکن بیشترین فعالیت سفالگری را داشته‌است. به قول خودش ۱۸ نفر کارگر در فضای ۵۰۰متری مستقیم با او کار می‌کردند و خیلی‌ها هم غیرمستقیم. همین شد که او را در آن سال به عنوان یکی از کارآفرین‌های نمونه‌استانی در سال ۸۸-۸۹ انتخاب کردند. گفت‌وگوی او با زندگی‌سلام را در ادامه می‌خوانید.

تقسیم سفالگری به چند شاخه ورشته

او می‌گوید سفالگری رشته اول لالجینی‌هاست اما انتخاب همه نیست و ادامه‌می‌دهد: «من خیلی به سفالگری علاقه‌داشت‌م و استنادی که کار را یادم دادند همه از استاد‌های بزرگ سفالگری لالجین بودند. این شد که من هم ناخواسته به این سمت رفتم. البته کارهایی که می‌ساختم خوب از آب در می‌آمدند هم از نظر خودم و هم کسانی که از من سفال می‌خریدند و با هم همکاری می‌کردیم. این خودش برایم یک راه موفقیت بود. سفالگری به چند شاخه و رشته تقسیم می‌شود. برای مثال قالبی و چرخی. من چرخی کار می‌کنم. در بین چرخی‌کارها، باز دسته‌بندی داریم. بعضی فقط کارهای به اصطلاح ۱۵ سانتی‌متری مانند لیوان، فنجان، کاسه، قندان و... تولید می‌کنند. یک سری به اصطلاح ۲۰ سانتی کار می‌کنند. خودم کارهای سفال بین ۴۰ تا ۱۳۰ سانتی‌متری راسته‌کارم است. بعضی از استادان هم سفال‌های ۲/۵متری تولید می‌کنند. در لالجین تقریباً همه نوع سفال‌های تزئینی و مصرفی تولید می‌شود و هر کدام هم بسته به نوع استفاده لعاب‌خور متفاوتی دارد. خلاصه سفالگری همین‌طور رشته‌به‌رشته است. چون تعداد کارگاه‌های تولیدی بالاست هر کارگاه کار خاصی انجام می‌دهد و به همان تعداد فروشگاه سفال فروشی هم داریم. اصلاً لالجین آدم بیکار ندارد و حتی از شهرهای دیگر برای کار به این‌جا می‌آیند.»

روزهای انتظار تبدیل شدن گل به سفال

فکرمی‌کنید فرایند تولید ظروف، کوزه و سبوهایی سفالی حاضر و آماده‌ای که در فروشگاه‌ها می‌خرید، چند روز است؟ توضیح مهربر، پاسخ این سوال را روشن می‌کند: «برای ما که سفال‌های بزرگ تولید می‌کنیم گل باید مرغوب باشد. ساخت گلدان را مثال می‌زنم. برای ساخت گلدان وقتی شکل گلدان را روی چرخ سفال آماده کردیم یک روز در کارگاه می‌ماند و تزئیناتی مانند دسته و حلقه باید روز بعد به آن اضافه‌شود. دو روز بعد از اضافه کردن تزئینات، شست‌وشو انجام می‌شود و سفال دوباره در کارگاه می‌ماند. به‌طور کلی از زمانی که گل روی چرخ سفالگری می‌آید تا زمانی که برای داخل کوره رفتن آماده‌شود به ۷روز وقت نیاز دارد و بعد از یک هفته در کوره چیده می‌شود. چیدن ظروف سفالی در کوره نظم و ترتیب خاصی دارد. حدود ۴۸ ساعت هم آن‌جا وقت لازم است. ۲۴ ساعت اول برای پخت و ۲۴ ساعت دوم برای خنک شدن سفال‌های پخته‌شده در کوره و درآوردن آن‌ها. در حالی که کل زمان تولید یک گلدان سفالی با ارتفاع ۴۰سانتی‌متر با گل‌روی چرخ سفال،

برای کارهای مصرفی مانند بشقاب، فنجان و... بهتر می‌شود. برای کارهای سنتی هم همین‌گلی که در لالجین تولید می‌شود، مرغوب است. البته به دلیل مصرف بالا و بهره‌برداری زیاد از معادن خاک کرس، مرغوبیت آن نسبت به ۱۰ سال گذشته کمتر شده‌بود که همان خاک‌شناسان با آزمایش موفق شدند ترکیباتی را به خاک اضافه‌کنند و مرغوبیتش را بالا ببرند. البته برای کارهایی مانند گلدان استفاده از گل این خاک‌های ترکیبی نمی‌صرفد چون هزینه‌تمام شده‌اش خیلی زیاد می‌شود.»

این قصه تولید گل از زبان آقای مهربر است.

● **ریزه‌کاری و گل‌خوب، شناسنامه سفال لالجین**
«لالجینی‌ها هم سفالگری چرخی دارند، هم قالبی. روش چرخی/دستی سنتی تر است و قالبی صنعتی‌تر. هر کدام در نوع گل و اجر تفاوت‌هایی دارند. اصلاً نوع گل برای ساخت هروسیله فرق دارد. گلی که قرار است لعاب سنتی بخورد با گلی که برای ساخت گلدان استفاده می‌شود متفاوت است یا در شیوه قالبی برای ساخت یک سری وسایل با اضافه کردن یک گیاه به گل آن کاری می‌کنند تا بعد از ساخت ترک‌نخورد. این گیاه یک حالت پشمی‌مانند دارد و در لالجین می‌روید.»

این توضیحات آقای مهربر درباره سفالگری لالجینی‌هاست. او نوع گل لالجین را شناسه سفال این شهر می‌داند و می‌گوید: «لالجین به خاطر گل خاصی که در ساخت سفال‌هایش استفاده می‌شود می‌توان با آن ظرف کاری و ریزه‌کاری‌ها را درآور، به سفال لالجین معروف شده‌است. شهرهای دیگری در ایران مانند میبد در یزد، شهرضا در اصفهان، شهنسوار در گیلان و... هم در سفالگری فعال هستند ولی گل لالجین با این شهرها متفاوت است. البته در میبد کارهای ظرفی‌تر از لالجین هم پیدا می‌شود اما باز هم تنوع به پای لالجین نمی‌رسد. الان ما در کارگاه حدود هزار نوع کار متفاوت تولید می‌کنیم ولی در شهرهای دیگر، کارگاه‌ها به یکی دو مدل پسنده می‌کنند. اگر یک‌بار از سفال لالجین بخردی تفاوت آن را با دیگر سفال‌های می‌بینی. رنگ گل لالجین و بدنه آن کامل مشخص می‌کند که کار کجاست. با وجود این همه کارگاه چون در پاییز و زمستان تولید خیلی کم و تقاضا بیشتر می‌شود کارمان در این دو فصل بیشتر است. به‌خصوص ۲ ماه آخر سال و اواخر مرداد شروع است و مجبوریم هر شب تا ۱۲ شب در کارگاه کار کنیم. هم اکنون بیشتر محصولاتمان را

داخل کشور می‌فروشیم و گاه به عراق می‌فرستیم. بعضی از کارگاه‌دارها در لالجین صادرات به کشورهای اروپایی و اِستِریا هم دارند.»

● **سکاس‌های سخت و شیرین نشستن پشت چرخ سفال**
سفالگری تنها همان لحظه‌های حال خوب کن پشت چرخ‌نشستن نیست. این شغل هم چالش‌ها و اما و اگرهایی دارد که مهربر درباره‌اش این‌طور می‌گوید: «آب‌وهواری کار سفالگری خیلی تأثیر دارد. طوری که باید خودتان را با آب‌وهوا وفق بدهید. بهترین موقع کار برای سفالگری فصل



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۷ شوال ۱۴۴۴ ه‍.ش ۸ می ۲۰۲۳

شماره ۲۱۲۰۶

۲۴۲۶



عکس: شیرنگ آری صدراوسلیما

پاییز و زمستان است. چون هوا مرطوب است اجازه نمی‌دهد کار خشک‌شود و می‌توانید نقش‌هایی را که دوست دارید با خیال راحت روی آن پیاده کنید. ولی در بهار و تابستان چون هوا خشک است کاری که تولید می‌کنید خوب به آدم نمی‌چسبد. به همین دلیل برای بالا بردن کیفیت محصولات یک سری کارها کردیم؛ برای مثال بخش چرخی و تراشکاری را از هم جدا کردیم و جواب هم داد. دما هم روی سفالگری تأثیر گذار است. اگر پخت گل سفالگری کم باشد رنگش قرمز می‌شود، اگر پخت به اندازه باشد زرد مایل به نارنجی می‌شود، اگر پختش زیاد باشد به رنگ سفید و اگر خیلی بیش از اندازه باشد رنگش می‌چرخد و سبز می‌شود. البته الان بیشتر سفالگرها با درجه کاری می‌کنند. برای مثال وقتی کوره به درجه خاصی رسید در کوره را می‌بندند. کاری که قبل تر باید با چشم انجام می‌دادیم. یعنی می‌نشستیم و نگاه می‌کردیم. هر وقت احساس کردیم گل‌ها خوب پخته‌شدند، کوره را خاموش می‌کردیم. الان که با درجه کاری می‌کنیم بهتر است. کوره را به دمای ۹۰۰ تا ۹۲۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسانیم و بسته به محصول، زمانش که رسید کوره را خاموش می‌کنیم. البته افت فشار گاز روی پخت تأثیر می‌گذارد و گاهی باعث خراب‌شدن کارها می‌شود.»

● **قبلاً نمی‌گذاشتند فرزندشان به گل سفالگری دست‌بزند**

«آدم وقتی پای چرخ سفالگری می‌نشیند روحیه‌اش عوض می‌شود. سفالگری یک کار بسیار آرام، دلنشین و روحیه‌بخش است و آدم از همه مشکلات و هیاهوهای دنیا خالی می‌شود؛ این‌ها باور مهربر در باره سفالگری است. او حس و حال سفالگری و چالش‌هایش را این‌طور توصیف می‌کند: «وقتی گل را روی چرخ به شیئی تبدیل می‌کنید و می‌خواهید روی آن نقش بزنید، دسته اضافه کنید و حالتی بدهید یک روند خاصی دارد که آدم را به چالش می‌کشد. وقتی بتوانید این کار را سالم از کوره در بیاورید و جلوی مشتری بگذارید، خستگی از تن‌تان در می‌رود و تنها کسی این موضوع را در کمی‌کند که تجربه سفالگری داشته‌باشد. البته مشکلاتی هم داریم. شرکت‌های بیمه، سفالگری را جزو «مشاغل سخت و زیان‌آور» نمی‌دانند و هر استادکار باید ۳۰ سال پشت چرخ سفالگری بنشیند و با آب و گل کار کند. این کار دایمی و کار هر روز و هر ماه و هر سالش است و در طولانی‌مدت روی مفاصل آرنج، کتف و زانو اثر منفی می‌گذارد. این موضوع برای استادکارانی که ۳۰ سال باید کار کنند تا بتوانند باز نشسته‌شوند، واقعاً

عذاب‌آور است. حدود ۱۰ سال پیش سفالگری در لالجین از مدافتاده بی‌اهمیت شده‌بود. به‌طوری که کسی اجازه نمی‌داد فرزندش در کارگاه سفالگری کار کند و استادکارها در کارگاه‌ها تنها باقی‌مانده بودند. الان اوضاع بهتر شده و اگر صادرات بیشتر فعال‌شود، جوان‌ها بیشتر به این سمت می‌آیند. البته الان بیشتر مردم دوست دارند بچه‌هایشان در سفالگری کار کنند، قبلاً حتی نمی‌گذاشتند بچه‌شان به گل سفالگری دست‌بزند اما الان جوان‌های ۲۵ ساله‌ای داریم که می‌توانند با استادکار ۵۰ ساله‌مان رقابت پایاپای داشته‌باشند و بسیار با انگیزه‌اند.»



لالجین؛ آبادی لاله‌ها

یا از چین برگشته‌ها؟!

نظربه‌ها و ادعاهای مختلفی درباره ریشه‌نام

پایتخت سفال جهان مطرح شده‌است

حمدا... مستوفی تاریخ‌دان و نویسنده قرن هفتم هجری قمری در کتاب «نزهة القلوب» از لالجین اسم برده است: «همدان و لایتش پنج ناحیت دارد. اول فریوار در حوالی شهر است تا دوفر سنگی (در سمت اسدآباد) هفتاد و پنج پاره دیه‌است و شهر ستانه و لالجین و فخرآباد و قاسم‌آباد و کوشک باغو... از حساب فریوار است.» این کتاب یکی از اولین دانش‌نامه‌های فارسی است و بیشتر، جغرافیای ایران و شهرهای آن را توصیف می‌کند. به همین دلیل به نظر می‌رسد لالجین در قرن هشتم هجری یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دهستان‌های همدان بوده‌است. بعضی می‌گویند لالجین تغییر یافته کلمه «لالجین» نام پرنده‌ای شکاری و یکی از قبیله‌های ترک بوده‌است. وقتی این قبیله این منطقه را برای زندگی انتخاب کردند به لالجین یعنی «سرزمین ترکان» شناخته شد. گمانه دیگر این است که واژه لالجین از دو بخش «لاله» و «جین» ساخته شده‌است. جین در استان همدان پسوند مکان است. «توی جین»، «دیو جین»، «گنده جین» و «فارس جین» هم نمونه‌شهرهایی در همدان هستند که با این پسوند نام مکانی را بد کمی کشند و بر همین اساس «لاله جین» شکل گرفته‌است. لالجین در طول تاریخ دوبار به شدت ویران شده: یکی در حمله مغول و یکی در حمله افغان‌ها. نظریه دیگر درباره نام لالجین به حمله مغول‌ها برمی‌گردد. به اعتقاد برخی، «وقتی چنگیز خان مغول به لالجین می‌رسد گروهی از اهالی این شهر را به چین می‌فرستد. این گروه با تأثیر از سفالگری چینی به این شهر برمی‌گردند و به همین دلیل این شهر به «لاله» و «چین» تبدیل می‌شود و در گذر زمان به لالجین. البته هیچ‌سندی درباره درستی یا رد این نظریه وجود ندارد.

